

ریشه‌یابی واژه «برد» "bard"

در زبان‌های کردی و لری

سرزمین ایران از هزاران سال پیش از مراکز تمدن بشری بوده است و اقوام مختلفی با فرهنگ و زبان‌های متفاوت از نژادهای ناشناخته و شناخته چون: یافثی، سامی، آریایی و آلتائی (ترک و مغول) نام و نشانی از خود برصفحات تاریخ ایران زمین برجای گذاشته‌اند. در هزارهٔ دوم و اول پیش از میلاد، در غرب ایران که اینک زاد و بوم اقوام کرد و لری می‌باشد، اقوام گوتی، لولوبی، الپیی، مانایی، کاسی و عیلامی زندگی می‌کردند که از نظر زبانی و نژادی با هم مرتبط ولی به هیچ یک از نژادهای هند و اروپایی و سامی وابسته نبودند.^۱

قبله‌های آریایی ایرانی: سکایی، مادی و پارسی که مدت‌ها قبل زیستگاه خود آسیای میانه را به صورت گروه‌های مهاجر ترک کرده بودند در هزاره اول پیش از میلاد وارد غرب فلات ایران شدند و پس از استقرار تدریجی بر اقوام بومی چیره شدند. قوم ماد اولین حکومت ایرانی را بنیان نهاد و دولت قدرتمند آشور را برانداخت و سرانجام کورش پارسی با متحد کردن مادها و پارس‌ها و تسخیر آسیای غربی، بزرگترین امپراطوری دوران باستان را پایه‌گذاری کرد.

ایرانی‌ها در برخورد با ملت‌های دیگر بطور متقابل از آن‌ها تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر گذارده‌اند. با این حال از زمان مادها تا پایان دورهٔ ساسانی اقوام ایرانی از یکپارچگی زبانی و فرهنگی برخوردار بودند. با پیروزی مسلمانان و تسلط تازیان دین اکثریت مردم ایران تغییر کرد ولی زبان‌های ایرانی با وجود نفوذ و حاکمیت زبان عربی با غنای بیشتری به حیات

۱. «یافثی»، «خزری»، «آسیایی» و قفقازی اصطلاحاتی هستند که برخی از دانشمندان در اشاره به اقوامی چون: سومریان، عیلامیان، کاسیان و غیره که هندو اروپایی و سامی نمی‌باشند، بکار می‌برند. (گیرشمن ص ۲۹ و ۳۸)

خود ادامه دادند و حتی در دوران تسلط ترکان و مغولان زبان فارسی همچنان پابرجا ماند و تنها واژگانی از آن زبان‌ها در فارسی و دیگر گویش‌های ایرانی باقی مانده است.

زبان مشترک قبیله‌های ایرانی دوران باستان که خود را آریایی می‌نامیدند. پس از پراکندگی این قبایل در سرزمین‌های وسیع، به لهجه‌هایی چون: اوستایی، پارسی هخامنشی، مادی، سکایی، و چند لهجه دیگر منشعب گردید و هر لهجه با گذشت زمان با قوانین خاص خود جداگانه تحوّل و تکامل پیدا کرد و در نهایت گویش‌ها و زبان‌های مستقلی از آن‌ها پدید آمد. زبان‌های فارسی، کردی، لری، سیوندی، بلوچی، گیلکی و ده‌ها گویش محلی دیگر با همه تفاوت‌های ظاهری که بین آن‌ها دیده می‌شود، همگی ریشه در زبان ایرانی کهن دارند و بخش بزرگی از ذخیره واژگانی زبان مادر را حفظ کرده‌اند.

پژوهشگران اروپایی در دو قرن اخیر با خواندن متون زبان‌های کهن آریایی (هند و ایرانی) و اروپایی و بررسی و مقایسه آن‌ها به خویشاوندی این زبان‌ها پی بردند که نتیجه تحقیقات‌شان به کشف خانواده بزرگ‌زبانی هند و اروپایی و ترسیم شجره زبان‌های وابسته که زبان‌های ایرانی یکی از شاخه‌های مهم آن می‌باشد، منجر گردید.

زبان‌های ایرانی در این طبقه‌بندی براساس ساختمان زبان و درجه تحول به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم و هر دو به دو گروه شرقی و غربی و هر گروه به دو شاخه شمالی و جنوبی گروه‌بندی شده‌اند. اما نظر به اینکه از برخی از زبان‌های باستانی و میانه آثار مکتوب قابل توجهی موجود نیست و از دیگر گویش‌های ایرانی نو بررسی همه جانبه دقیقی براساس روش‌های زبان‌شناسی تطبیق - تاریخی بعمل نیامده است، نمی‌توان تقسیم‌بندی سنتی را کاملاً پذیرفت. در راستای شناسایی بیشتر و بهتر زبان‌های ایرانی و بازنگری و نقدی بر تحقیقات گذشته، در این نوشتار دو واژه هم معنی «برد» و «سنگ» در برخی از زبان‌های ایرانی مقایسه و مورد بررسی قرار می‌گیرد. گرچه امروزه گویش‌های ایرانی فاقد خط و نوشتار، بر اثر نفوذ فارسی و عربی بسیاری از ویژگی‌های خود را در طی قرن‌ها از دست داده‌اند و جود این‌گونه واژگان منفرد در این گویش‌ها که از نظر ریشه‌شناسی رد و نشان آن‌ها در زبان فارسی نو و باستان دیده نمی‌شود، از نکات جالب و بحث‌برانگیز خانواده زبان‌های ایرانی می‌باشد. در رابطه با واژه «برد» کردی و لری پرسش‌های زیر شایسته بررسی و پاسخ‌گویی می‌باشد.^۱

۱. هریک از زبان‌های کردی و لری به گویش‌هایی تقسیم شده‌اند که اختلافات آن‌ها گاهی به اندازه‌ای زیاد است که تفهیم و تفاهم زبانی بین سخنگویان به آسانی انجام نمی‌گیرد. هر کدام از این گویش‌ها ویژگی‌های خاص خود را دارند. گویش لری با زبان فارسی نو و میانه (پهلوی) خصوصیات زبانی مشترک بسیاری دارد، بهمین علت بسیاری از منابع لری را لهجه‌ای از فارسی می‌دانند. با وجود نفوذ طولانی زبان فارسی و عربی بر زبان لری، ذخیره واژگانی گویش لری منحصر بفرد است و حتی برخی از

۱. آیا واژه «برد» واژه‌ای ایرانی (هند و اروپایی) است؟ از کدام زبان باستانی گرفته شده و تاریخ تحول آن چگونه بوده است؟

۲. آیا این واژه از زبان‌های غیرایرانی وارد کردی و لری شده است؟ از کدام زبان؟

۳. با در نظر گرفتن جغرافیای تاریخی و این‌که کردها در مناطق ماد نشین و لرها در مناطق پارس نشین سکونت داشته‌اند، چرا واژه سنگ ایرانی در طول سی قرن در این گویش‌ها بکار نرفته است؟

۴. از نظر توزیع جغرافیایی واژه، چرا کردهای مهاباد در شمال غرب ایران و لرها از لرستان تا کنار خلیج فارس واژه برد را بکار می‌برند ولی کردهای سنندج، کرمانشاه، ایلام و حتی لک‌های لرستان که بین آن‌ها واقع شده‌اند از واژه «کچک» استفاده می‌کنند که باز این واژه در گویش‌های لری موجود است؟

«برد - و بمعنی سنگ هم آمده است که به عرب حجر گویند». (برهان قاطع)

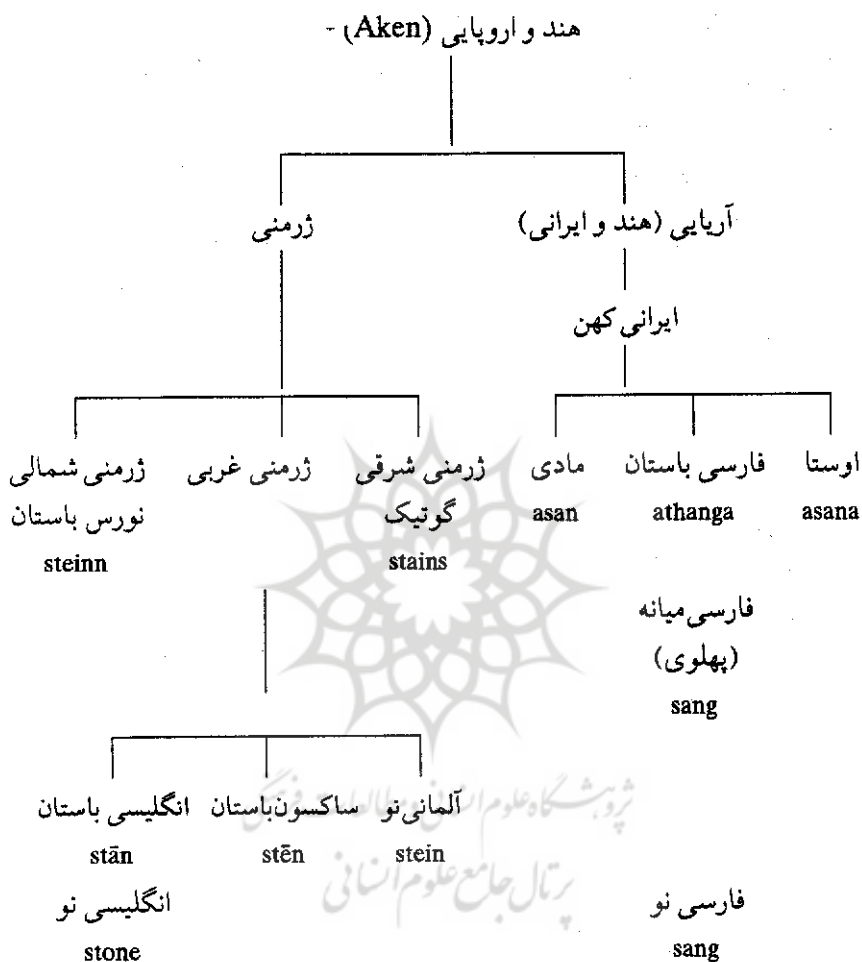
واژه برد و سنگ در چند زبان ایرانی نو

زبان‌های شمال غربی		زبان‌های جنوب غربی	
برد	bard (مهاباد) کردی	sang	فارسی
ورد	vard سیوندی	bard	لری (لرستانی)
کچک	Kočok	bard/Kočok	لری (ممسنی، کهگیلویه، بویراحمد و بختیاری)، کردی (سنندج، کرمانشاه و ایلام)
کچک	Kočok	bard/seng	دزفولی
سنگ	seng بلوچی		
سنگ	sang گیلکی		

در سایر گویش‌های ایرانی واژه سنگ با تفاوت واکه -a sang بکار می‌رود و در گویشی از زبان پشتون افغانستان جزء دوم واژه debar (سنگ) ممکن است با واژه برد ارتباط داشته باشد. واژه کچک لری و کردی احتمالاً از دو جزء: (پسوند تصغیر) ko+ček (کوه) تشکیل شده است.

واژگان اوستایی و پهلوی که به فارسی نو نرسیده‌اند، در لری دیده می‌شوند. تعدادی از واژگان لری با کردی مشترکند که توزیع جغرافیایی این واژگان بیانگر جابه‌جایی و آمیزش اقوام مختلف ایرانی در زمان‌های نامعلوم بسیار دور می‌باشند.

تحول واژه سنگ در دو شاخه ایرانی و ژرمنی زبان هند و اروپایی



در مورد اشتقاق واژه «برد» و ریشه‌شناسی آن تاکنون نظریه‌ای ارائه نشده است. با این حال ممکن است این واژه از واژه‌های غیر ایرانی وارد شده در زبان‌های کردی و لری پنداشته شود و آن را دلیلی بر بعضی نظریات نژادی در مورد اقوام ایرانی بدانند. همچنان‌که

* نشانه واژگان ساختگی است.

دیاکونوف پس از اظهار تردید در مورد هند و اروپایی بودن یا نبودن کاسیان می‌گوید: «به احتمال قوی قبایل کنونی لر که با دامداری در کوهستان اعاشه می‌کنند از اخلاف ایشان می‌باشند که از لحاظ زبانی ایرانی شده‌اند و اکنون نیز در همان سرزمین ساکن هستند»^۱ گذشته از نظریات متناقضی که در مورد زبان و نژاد برخی از اقوام ایرانی گفته شده است. بدون تردید اگر گویش‌های مختلف ایرانی که امروزه بعلت بی‌توجهی به آن‌ها در حال نابودی می‌باشند، گردآوری و با موازین زبان‌شناسی تطبیقی - تاریخی مقایسه و تجزیه و تحلیل شوند بخوبی وجود برخی حلقه‌های مفقوده زبانی و به تبع آن نژادی قابل شناسایی است که می‌تواند تقسیم‌بندی زبانی و نژادی کلاسیک پذیرفته شده در مورد اقوام دوران باستان غرب ایران را دگرگون نماید.

نگارنده با توجه به مشابهات بین گویش سیوندی، لری و کردی و با استناد به تحول صامت «v» آغازی در زبان‌های ایرانی باستان، میانه و نو واژه برد را دارای ریشه‌ای هندو اروپایی می‌داند که با تحولات خاص معنایی و آوایی به گویش‌های کردی، لری و سیوندی رسیده است.^۲

از گویش‌های کردی، لری و سیوندی آثار مکتوب موجود نیست که بتوان به شکل این واژه در دوران باستان و میانه پی برد. اما با توجه به واژه «ورد» vard در گویش سیوندی و قانون تعبیر صامت «v» را آغازی باستانی که در برخی از زبان‌های نو در بعضی موارد به «b» تبدیل شده است و حتی بسیاری از واژگان گویش سیوندی «v» آغازی دوره میانه را حفظ کرده‌اند، شکل باستانی واژه bard را به صورت varta و شکل میانه آن را به صورت vart بازسازی می‌نماید:

روش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. جای شگفتی است که زبان‌شناسی چون دیاکونوف بدون ارایه شواهد، لرها را بازمانده کاسیان می‌داند. بررسی زبان، فرهنگ و آداب و رسوم قبیله‌های مختلف لر نشان می‌دهد که آن‌ها اخلاف سه گروه عمده اقوام ایران باستان: مادها، پارس‌ها و پارت‌ها می‌باشند و طبیعی است که اقوام ایرانی با عیلامی‌ها و کاسیان آمیزش داشته‌اند.

۲. سیوندی زبانی است از گروه ایرانی شمال غربی که مردم روستای سیوند (شهرستان مرودشت) در کنار جاده شیراز - اصفهان در حدود ۷۰ کیلومتری شیراز بدان سخن می‌گویند و تحت نفوذ فارسی به تدریج فراموش می‌گردد. ارانسکی زبان سیوندی را آخرین موضع لهجه‌های شمال غربی در منطقه لهجه‌های جنوب شرقی (غربی) می‌داند (ص ۳۲۱)

دیاکونوف از زبان سیوندی بعنوان گویشی بازمانده از زبان مادی نام می‌برد. (ص ۴۴۸)
گویش سیوندی ضمن حفظ برخی از ویژگی‌های دستوری و واژگانی هردو گروه زبان‌های ایرانی شمال غربی و جنوب غربی در واقع ترکیبی از زبان‌های کردی و لری می‌باشد. بسیاری از واژگان سیوندی با گویش لری همسنی همانند است.

نمونه تحول صامت «v» آغازی در برخی از زبان‌های ایرانی باستان، میانه و نو

کردی	لری	سیوندی	لکی	پهلوی	اوستا	فارسی	
bafer	barf	varf	war/veyar	varf	vafra	barf	برف
bā(y)	bā(d)(y)	voy	vā	vāt	vāta	bād	باد
bahār	behār	behār	behār	vahār	vanhar	bahār	بهار

با توجه به قانون بالا، فرم‌های فرضی باستان و میانه واژه «برد» را در گویش‌های کردی، لری، سیوندی به صورت زیر می‌توان بازسازی کرد.

دوره نو	دوره میانه	دوره باستان
bard کردی و لری	* vart	* varta
vard سیوندی		

واژه ساختگی varta به احتمال زیاد با واژه ارستایی varat، فارسی باستان vart و هند و اروپایی *uret به معنی گردیدن، گشتن و غلطیدن هم ریشه است که با تحول معنایی خاصی به گویش‌های کردی، لری و سیوندی رسیده است. در تأیید و اثبات این‌گونه تحولات معنایی که برخی از واژگان مترادف زبان‌های خویشاوند با وجود نبود شباهت ظاهری بین آن‌ها از ریشه‌های مختلف موجود در زبان اصلی مادر منشعب شده‌اند، می‌توان به واژه مادر زبان‌های هند و اروپایی اشاره کرد.

در بیشتر زبان‌های هند و اروپایی از دوران باستان تا نو، واژه مادر از ریشه هند و اروپایی mātē* گرفته شده است. مانند سانسکریت mātār لاتین māter فارسی و اوستا mātār، انگلیسی باستان mōdor انگلیسی نو mother، آلمانی نو mutter، آلمانی باستان muoatar یونانی mētēr.

اما جالب توجه است که واژه مادر در گویش‌های لری ممسنی و بویراحمد dey لری بختیاری و لرستانی dā کردی dāyik و سیوندی doṽa می‌باشد که از ریشه اوستایی dāy/dey به معنی پرستاری کردن، گرفته شده‌اند، در حالی که در خود اوستا و فارسی باستان واژه mātār (ماتر) بکار می‌رفته است. این‌گونه واژگان از نظر تحول تاریخی زبان‌های خویشاوند نیاز به بررسی همه‌جانبه و موشکافانه دارد تا چگونگی آن‌ها روشن گردد.

خلاصه و نتیجه گیری

واژه «برد» bard در کردی (مهابادی) و لری و «ورد» vard سیوندی که از زبان‌های ایرانی شمال غربی و جنوب غربی می‌باشند، با توجه به قانون صوتی تحول «v» آغازی زبان‌های ایرانی کهن و نوبه «b» احتمالاً دارای شکل باستان varta و میانه vart بوده است و ممکن است با واژه اوستایی varat فارسی باستان vart و هند و اروپایی *uret هم‌ریشه باشد. وجود این‌گونه واژگان منفرد همانند در برخی از گویش‌های ایرانی شمالی و جنوبی که از ریشه‌شناسی با فرم هم معنی خود در دیگر زبان‌های هند و اروپایی و ایرانی (فارسی) باستان و میانه و نو متفاوتند. می‌توانند بازمانده از زبانی ناشناخته باشند که برخی از خصوصیات واژگانی و صرفی آن در این گویش‌ها باقی مانده است.

با گردآوری و بررسی و تجزیه و تحلیل گویش‌های ایرانی براساس روش‌های زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی می‌توان حلقه‌های زبانی مفقوده را ردیابی و شناسایی کرد.

کتابنامه

- ارانسکی، ای.م. مقدمه فقه‌اللغه ایرانی. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۸.
- ناتل خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی، جلد یک، چاپ سوم، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶.
- گیرشمن، رومن. ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. چاپ هفتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.
- دیاکونوف، ا. میخائیلوویچ. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر. قوم‌لر. انتشارات آگاه ۱۳۷۰.
- ایزدپناه، حمید، فرهنگ لری، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۳.
- همتی، ابوذر. فرهنگ تطبیقی واژگان گویش لری ممسنی با واژگان فارسی نو و میانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی دانشگاه شیراز. بهمن ۱۳۶۹.
- همتی، ابوذر. «بررسی چندواژه پهلوی در گویش‌های لری و لکی». فروهر. شماره ۱ و ۲ فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۲.
- برهان، محمد حسین بن خلف تبریزی. برهان قاطع. باهتمام محمد معینی. تهران ۱۳۶۲.
- Collins English Dictionary (with etymology).
London: Collins 1989
- Kent.R.G.old Persian. American Oriental Society 1963.
- Nyberg. S. Henrik. A manual of Pahlavi.
Part two. Wiesbaden: Otto Harrassowitz 1974.